

The nature of "ghena" in the light of verses and traditions

Abbas Mirshekari (Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Regarding the songs and music that are produced and broadcast in the country's media, one thing is clear and that is the sanctity of those types of music that are an example of ghena, but one thing is still complex and needs to be investigated. That is the nature of ghena. What is the basic and key concept and the sanctity and sanctity of ghena depends on it, is a matter of dispute among jurists. The best way to find the basic concept in Ghana is to refer to the verses and traditions included in this chapter. Three verses of 72 Surah Furqan, 30 Surah Hajj and 6 Surah Luqman are cited more than other verses. This article, with descriptive-analytical method, by referring to these verses and explanatory and narrative books, seeks to explain this matter, which should be re-examined with a two-way interpretative method between verse and narration. The result of this study is the involvement of issues other than just sound and singing, such as false words and content, and the mixing of illegitimate men and women in the sanctity of Ghana.

Keywords: Ghena, music, singing, Qol-al-Zor, Lahu-al-Hadith.

- Assistant Professor of law faculty in Tehran university, Tehran, Iran ¹
lamee@refah.ac.ir

ماهیت غنا و مشروعیت آن در رسانه با محوریت آیات و روایات

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

زهرا لامع^۱

چکیده

در باب آوازاها و موسیقی‌هایی که در رسانه‌های کشور تولید و پخش می‌شود، یک موضوع روشن است و آن حرمت آن دسته از موسیقی‌هاست که مصداق غنا هستند، ولی یک موضوع همچنان مجمل است و نیاز به بررسی دارد و آن ماهیت غناست. آنچه مفهوم پایه و کلیدی است و حرمت و حرمت غنا وابسته به آن است، مورد اختلاف بین فقهاست. بهترین طریق برای یافتن مفهوم پایه در غنا، رجوع به آیات و روایات وارد شده در این باب است. به سه آیه ۷۲ سوره فرقان، ۳۰ سوره حج و ۶ سوره لقمان بیش از آیات دیگر استناد می‌شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به این آیات و کتب تفسیری و روایی در پی تبیین این مطلب است که این موضوع را باید با روش تفسیری دوسویه بین آیه و روایت مورد بازپژوهی قرار داد. آنچه حاصل این مطالعه است، دخیل بودن موضوع‌هایی غیر از صرف صوت و آواز، از قبیل کلام و محتوای باطل و اختلاط زن و مرد نامحرم در حرمت غناست. در رسانه‌های صوتی و تصویری نیز حرمت ترانه‌ها بستگی به محتوای اشعار و شکل اجرای آن دارد.

واژگان کلیدی

غنا، موسیقی، آواز، قول الزور، لهو الحدیث، رسانه.

۱- استادیار دانشکده رفاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

قریب به نیم‌قرن از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و در تمام این سال‌ها، حرمت آوازاها و موسیقی‌هایی که از رسانه‌های جمعی تولید و پخش می‌شود، مورد بحث و انتقاد عده‌ای و تأیید عده‌ای دیگر بوده است. طبق بعضی دیدگاه‌ها، آوازاها و موسیقی‌ها همگی مصداق غنا محسوب می‌شوند و حکم حرمت دارند. از نظر عده‌ای آنچه عرف مردم، موسیقی بدانند حرام است. از نظر بعضی غنا مطلقاً حرام است و از نظر بعضی دیگر غنا دو نوع حلال و حرام دارد (مبلغان، ۱۳۷۹، صص. ۶۱-۶۶). برای برون‌رفت از این اختلاف دیدگاه‌ها، راه‌حل، تمرکز بر ماهیت غناست. غنا چیست؟ آنچه که حرمت و حرمت غنا دائرم‌دار آن است دقیقاً کدام عنصر غناست؟ بهترین روش برای یافتن پاسخ، رجوع به آیات و روایات است. در بعضی آیات کریمه اصطلاح‌هایی وجود دارد مانند «لهو‌الحديث» و «قول الزور» که در روایات و کتب تفسیر به غنا تعبیر شده‌اند. همچنین در روایات، شرایط و احکامی برای غنا بیان شده است. این مقاله با استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله علی‌دوست مبتنی بر مطالعه دوسویه آیات و روایات در این موضوع، در پی یافتن ماهیت غنا و گره‌گشایی از این مطلب است. تاکنون در زمینه غنا پژوهش‌های زیادی صورت گرفته؛ اما تمرکز اکثر آنها بر آیات و روایات نیست، مانند مقاله‌ای با عنوان «مبنای فقهی نظریه اخیر امام خمینی در زمینه غنا و موسیقی» که توسط عباسعلی مشکانی به رشته تحریر درآمده و تمرکز آن بر رأی امام خمینی (ره) است (۱۳۹۸) و مانند مقاله «بررسی دلالت روایات قول زور بر حرمت غناء» که توسط زهرا عزیزاللهی نوشته شده و فقط یک اصطلاح قرآنی مورد مطالعه قرار گرفته و درباره «لهو‌الحديث» بررسی صورت نگرفته است (۱۳۹۸). بعضی مقاله‌ها نیز مانند مقاله سیدعباس سیدکریمی با عنوان «نقد و بررسی تعاریف موجود در موضوع غنا» بحث را به تعاریف لغویون محدود کرده‌اند (۱۳۹۳).

۱- مفهوم‌شناسی

در آغاز طبق عرف هر پژوهشی باید مفاهیم هسته‌ای آن مورد مذاقه قرار گیرد تا مخاطب بداند درباره چه موضوعی مطالعه می‌کند.

۱-۱. مفهوم رسانه

رسانه یا رسانه جمعی در معنای وسیع شامل کلیه وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرها می‌پردازد. این وسایل که دارای تنوع فراوان هستند (مانند روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، شبکه‌های رایانه‌ای و...) از ابزارهای کنترل اجتماعی تلقی می‌گردند (ره‌پیک، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷). در این پژوهش رسانه‌های صوتی و تصویری مورد بحث هستند.

۱-۲. مفهوم غنا

غنا به معنی سرود، نغمه و آوازخوانی آمده است (دهخدا، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۶۷). در کتب لغت عربی به معنای «ما طُرِبَ به» آمده است، آنچه انسان را به طرب درآورد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۹). طرب نیز به ترجیع در صدا معنی شده است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۲۰). همچنین به معنای سبکی و نشاطی است که بر اثر شدت اندوه یا خوشحالی بر انسان عارض می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۸۵). ترجیع به معنای نغمه زدن و بازگرداندن آواز در گلوست (دهخدا، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲۲). غنا در کتب فقهی تعاریف مختلفی دارد، از جمله:

- کشیدن صدا همراه با برگرداندن آن در گلو در صورتی که طرب‌آور باشد؛ بنابراین تعریف دو شرط در تحقق غنا لازم است؛ اول ترجیع و دوم طرب‌آور بودن.
- برگرداندن آواز در گلو و کشیدن آن.
- آواز طرب‌آور.
- آنچه عرف آن را غنا بدانند.
- کشیدن صدا همراه با گرداندن آن در گلو، در صورتی که طرب‌آور باشد و یا آنچه در عرف غنا نامیده شود هر چند طرب‌آور نباشد.
- کشیدن صدا و گرداندن آن در گلو با کیفیتی خاص که طرب‌آور بوده و مناسب مجالس فاسقان و فاجران و آلات لهو باشد.
- آواز لهوی که اهل فسق و فجور در مجالس لهو و لعب می‌خوانند؛ خواه تنها ترجیع داشته یا طرب‌آور باشد و یا توأم با هردو باشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۶۱۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود از نظر بعضی فقها، ملاک صدق عرفی است و دیگر وجود یا عدم وصف طرب‌آوری دخالتی ندارد. بعضی نیز مناسبت با مجالس فسق و فجور را دخیل در حکم غنا می‌دانند. طبق نظر صاحب جواهر اگر سه رکن طرب‌آوری و ترجیع و مناسبت با مجالس فسق و فجور یکجا جمع شود، طبق همه دیدگاه‌ها مصداق غناست (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۴۷۰).

درباره حکم تکلیفی غنا، می‌توان گفت اگر آوازی مصداق غنا باشد، خواندن آن، مزد گرفتن برای آن، آموزش دادن و آموختن و شنیدنش حرام است. از این حکم دو مورد استثنا شده است: یکی عروسی؛ بعضی از فقها آواز خواندن زن را در مراسم عروسی، به شرط اینکه مشتمل بر محتوای باطل نباشد و نامحرم نشنود و آلات لهو هم استفاده نشود، جایز می‌دانند. دوم حُداء؛ که اشعاری است که ساربان برای شتران می‌خواند تا آنها را به طرب وادار کند تا سریع حرکت کنند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸۰).

اما درباره حرمت یا جواز آوازه‌ها و موسیقی‌هایی که در رسانه‌های مختلف تولید و پخش می‌شود، تمرکز بحث باید روی شناخت دقیق ماهیت غنا باشد. حکم تکلیفی غنا حرمت است^۱ و در این موضوع بحثی نیست؛ بحث در این است که کدام آواز و موسیقی مصداق غناست و کدام نیست؟ آیا موضوع حرمت صرفاً موسیقی‌های تولیدشده با آلات موسیقی هستند یا وجود و عدم کلام هم تأثیری در حکم دارد؟ آیا صرف ترجیع و طرب‌انگیزی در تعلق حکم کفایت می‌کند یا مناسبت با مجالس اهل فسق و فجور نیز دخالتی در تعلق حکم حرمت دارد؟ برای تشخیص غنای حرام از غیرحرام (با فرض وجود غنای غیرحرام) اولین قدم مطالعه و بررسی منابع فقه به ویژه کتاب و سنت است.

۲- بررسی ماهیت غنا در قرآن

بیشترین استناد در بحث غنا به چند آیه قرآن کریم است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:
 ۱-۲. «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (فرقان، ۷۲): و کسانی که شهادت

۱. بدیهی است که حکم تکلیفی به موضوع غنا فی نفسه تعلق نمی‌گیرد بلکه به افعال ارادی مرتبط با آن تعلق می‌گیرد مانند شنیدن، آموختن، آموزش دادن، اجرت، حضور در مجلس غنا و...

به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

نیز «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج، ۳۰). پس، از پلیدی بت‌ها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید. در هر دو آیه کریمه تمرکز بر اصطلاح «زور» است. در تفسیر این اصطلاح اختلاف نظر بسیاری بین مفسران وجود دارد. ازجمله معانی که برای این اصطلاح گفته‌اند، یکی معنای مجالس بدعت‌گذاران است. آیه می‌فرماید یکی از اوصاف عباد الرحمن این است که در مجالس بدعت‌گذاران حضور پیدا نمی‌کنند (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۱۴). معنای دیگر گناه و شرک است به معنای عدم حضور ایشان در مجالس گناه و شرک (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۴۳). معنای دیگر مجالس غنا و لهو است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۴۳؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۱۳). معنی دیگر مجالس دروغ و گناه است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۲۷۳). معنای دیگر اعیاد مشرکین است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۰). معنای دیگر بازی‌هایی است که در جاهلیت مرسوم بوده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۰). معنایی که در اکثر کتب تفسیری به آن اشاره شده است، معنای غنا و لهو است. طبری، مفسر بزرگ قرن چهارم اهل سنت، دلیل اختلاف نظر درباره اصطلاح زور را چنین شرح می‌دهد: کلمه زور در اصل به معنی تحسین یک شیء و توصیف آن به وصفی است که واقعی نیست تا اینکه کسی که آن را می‌شنود یا می‌بیند تصویری خلاف واقع پیدا کند. با این توضیح، شرک مصداق زور است؛ زیرا در نظر اهلش نیکو جلوه داده شده به گونه‌ای که فکر می‌کند حق است درحالی‌که باطل است. غنا هم یک مصداق زور است چون ترجیع صوت نیکو به نظر می‌رسد و به مذاق انسان شیرین می‌آید، ولی باطل است. دروغ هم همین‌طور است و شنونده را به اشتباه می‌اندازد. با این توضیح، بهترین قول در تفسیر آیه این است: کسانی که در باطل حضور پیدا نمی‌کنند؛ چه شرک باشد و چه غنا و چه دروغ و هرچه که مصداق باطل باشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۳۱). صاحب تفسیر تبیان نیز تحلیلی نزدیک به همین دارد و می‌فرماید: معنی ریشه‌ای غنا جلوه دادن باطل به صورت حق است که مصادیقش زیاد است از جمله دروغ و شرک و غنا... (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۱). صاحب مجمع البیان نیز زور را به معنی مجالس باطل می‌داند که می‌تواند مجالس غنا باشد و فحش

و ناسزا و... (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۳). صاحب المیزان دو احتمال درباره زور مطرح می‌کند: یکی معنای دروغ و شهادت دروغ دادن و دیگری معنای لهو و باطل و غنا و امثال آن. سپس می‌فرماید: جمله ذیل آیه، یعنی «و إذا مروا باللغو مروا کراماً» با احتمال دوم مناسب‌تر است، چون لغو هم به معنای هر عمل و گفتاری است که مورد اعتنا نباشد و هیچ فایده‌ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد نداشته باشد. این معنا با لهو و باطل و غنا مناسب‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۴).

۲-۲. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان، ۶): و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. درباره اصطلاح «لهو الحدیث» نیز در کتب تفسیری معانی مختلفی به چشم می‌خورد، از جمله: معنای غنا و شرب خمر و همه هوسرانی‌ها (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۱)، صاحب مجمع البیان می‌فرماید اکثر مفسرین لهو الحدیث را به معنای غنا یعنی موسیقی و آوازخوانی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۹۰)، همچنین سیوطی این معنا را از طرق بسیاری نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۹). معنای دیگر، خرید و فروش کنیزان آوازخوان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۹). شیخ طوسی درباره این اصطلاح دو معنا را بیشتر احتمال داده است. یکی معنای خرید و فروش کتبی که لهو الحدیث در آنهاست و دوم به معنای مشغول شدن به اخبار و احادیث لهو مانند حوادث زمان که فایده‌ای در نقل آن نباشد و عده‌ای مثال زده‌اند به امثال داستان رستم و اسفندیار که مردم را از شنیدن و تدبر در قرآن باز می‌دارد و مشغول می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۷۲). همچنین به معنای قصه‌گویی درباره اساطیر و وقایعی که واقعیتهای ندارد و گفتگو درباره خرافات و حرف‌های بیهوده و مواردی مانند غنا و آموزش آن نیز آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۱). آلوسی نیز لهو الحدیث را به هر چه که انسان را از عبادت خدا منصرف و به کار دیگر مشغول کند مانند قصه‌ها و لطیفه‌ها و خرافات و غنا و... دانسته است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۶۷). صاحب المیزان می‌فرماید لهو به معنای هر چیزیست که آدمی را از امور مهم بازدارد و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف کرده به خود مشغول سازد؛ مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل

شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه این‌ها مصادیق لهوالحدیث هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۹).

۳- بررسی ماهیت غنا در روایات

احادیث باب غنا در ابواب مختلفی در کتب روایی آمده است مانند بخش مربوط به مکاسب محرمة و بخش مربوط به قضا و شهادت. در موضوع غنا با چند دسته روایت مواجه هستیم: یک دسته ذیل آیات فوق‌الذکر (آیه ۶ سوره لقمان و آیه ۳۰ سوره حج) هستند و اصطلاح‌های لهوالحدیث و قول الزور را به غنا تفسیر می‌کنند؛ دسته دیگر محتوی نهی از حضور در مجالس غنا هستند، دسته دیگر به آثار و عوارض شنیدن و حضور در مجالس غنا اشاره دارند و دسته آخر که مهمترین بخش در پژوهش حاضر هستند، ماهیت و چیستی غنا را تبیین می‌کنند. از هر دسته به ذکر چند روایت به عنوان نمونه بسنده می‌شود.

۳-۱. روایات تفسیر «لهوالحدیث» و «قول الزور» به غنا

- عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» قَالَ الْغَنَاءُ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۱).^۱
- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى... عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ فَقَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ وَ قَوْلُ الزُّورِ الْغَنَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۷).^۲
- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» قَالَ الْغَنَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۱).^۳
- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْغَنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی ضعیف است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۰)؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای آن را معتبر می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۸).

۲. سند روایت از نظر آیه الله خامنه‌ای معتبر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۹).

۳. سند روایت از نظر علامه مجلسی صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۱).

جَلَّ - وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۵).^۱
این روایات و روایات بسیار دیگری با این مضمون در کتب روایی وجود دارند که اصطلاحات قول الزور و لهو الحدیث را به غنا تفسیر می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۹).

۲-۳. روایات نهی از حضور در مجلس غنا و شنیدن آن

- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ... قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي إِنِّي أَدْخُلُ كَنِيفًا لِي وَ لِي جِيرَانٌ عِنْدَهُمْ جَوَارٌ يَتَغَنَّيْنَ وَ يَضْرِبْنَ بِالْعُودِ فَرُبَّمَا أَطْلُتُ الْجُلُوسَ اسْتِمَاعًا مِنِّي لَهُنَّ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ اللَّهُ مَا آتِيَهُنَّ إِنَّمَا هُوَ سَمَاعٌ أَسْمَعُهُ بِأُذُنِي فَقَالَ لِلَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۲ (إسراء، ۳۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۲): مسعده بن زیاد گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی گفت: پدر و مادرم به فدای شما! وقتی وارد دستشویی خانه‌ام می‌شوم گاهی بیشتر در آنجا توقف می‌کنم تا صدای کنیزان آوازه‌خوان همسایه را که تار می‌زنند بشنوم. فرمود: چنین نکن! آن مرد گفت: به خدا سوگند! من نزد آنها نمی‌روم، فقط صدایشان را با گوشم می‌شنوم. فرمود: تو را به خدا! مگر سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «همانا گوش، چشم و دل همه مسئول هستند»؟
- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَعَمَدُ الْغِنَاءَ يُجْلِسُ إِلَيْهِ قَالَ: لَا (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۳۱۲).^۳ روایت درباره کسی است که قصد استماع غنا می‌کند یعنی عمداً پای غنا می‌نشیند.

۳-۳. روایات آثار غنا

- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ^۴ (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷، ص ۴۳۱) این دسته از روایات حاوی وعده عذاب الهی نسبت

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۵).

۲. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن یا صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۳).

۳. سند روایت از نظر آیه الله خامنه‌ای معتبر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵).

۴. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۱).

به شنونده غناست.

- إِسْحَاقُ بْنُ جَرِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ رَجُلٍ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بِالْبَرَبِطِ وَدَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْخَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَهَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). این دسته نیز دال بر اینکه شیطانی با نام قفندر وجود دارد که هرگاه در منزلی چهل روز بربط نواخته شود و مردم وارد آن خانه شوند، این شیطان هر عضو از بدن خود را بر نظیر آن از بدن صاحبخانه می‌نهد. سپس بادی می‌دمد که دیگر پس از آن، غیرت صاحبخانه از بین می‌رود به حدی که همسرانش مورد تجاوز قرار می‌گیرند؛ اما او به غیرت نمی‌آید.

- زَيْدُ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). این دسته درباره عدم استجاب دعا در خانه غناست. زید شحام گوید: امام صادق (ع) فرمود: خانه آواز و غنا، از فاجعه خوارکننده در امان نیست. دعا در آن مستجاب نمی‌شود و فرشته به آن وارد نمی‌گردد.

- و همچنین دسته‌های دیگری از روایات در این زمینه وجود دارد که دلالت بر آثار دیگری دارد مانند نظر نکردن خداوند به خانه‌ای که مجلس غناست (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳)، محرومیت اهل غنا از شنیدن اصوات بهشتی (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۴)، رویدن نفاق در اثر نواختن تار (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۴) و....

۳-۴. روایات مربوط به ماهیت غنا

دسته آخر روایاتی هستند که تمرکز این پژوهش بر آن موضوع است و آن ماهیت و چیستی غناست. این‌طور که از روایات اهل بیت (ع) استفاده می‌شود، شکی نیست که دو اصطلاح «لهوالحديث» و «قول الزور» منطبق با غناست؛ یا قدرمتیقن این است که یکی از مصادیق بارز آن غناست. همچنین شکی نیست که غنا مورد نهی قرار گرفته است و آثار

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی موثق است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۴).

۲. سند روایت از نظر علامه مجلسی صحیح ارزیابی شده است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲، ص ۳۰۵).

و عواقب سوئی برای آن شمرده شده است؛ اما نکته اصلی اینجاست که غنائی که مورد نهی شارع است دقیقاً چیست؟ آیا از جنس صوت و موسیقی و ساز است یا از جنس کلام و سخن؟ برای یافتن پاسخ صحیح به روایات رجوع می‌کنیم:

– عَبْدُ الْأَعْلَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغَنَاءِ وَقُلْتُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَخَّصَ فِي أَنْ يُقَالَ جِنَّاكُمُ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحَيِّكُمْ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ» «لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ لَا تَخَذَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ. بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»^۱ (انبیاء: ۱۱۸-۱۱۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۴۳۳). عبدالاعلی گوید: از امام صادق (ع) درباره غنا پرسیدم و گفتم: اهل تسنن می‌گویند که پیامبر خدا (ص) اجازه داده است که چنین گفته شود: «جِنَّاكُمُ جِنَّاكُمُ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحَيِّكُمْ». فرمود: دروغ گفته‌اند، به‌راستی که خداوند متعال می‌فرماید: «ما آسمان، زمین و آنچه در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم. اگر می‌خواستیم بازی قرار بدهیم چیزی از جانب خود برمی‌گزیدیم اگر این کار را انجام می‌دادیم بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را نابود سازد و بدین‌سان باطل نابود می‌شود، وای بر شما از آنچه توصیف می‌کنید».

در این روایت راوی می‌گوید: درباره غنا از امام (ع) پرسیدم. سپس مشاهده می‌کنیم که سؤال راوی درباره شعری است که در زمان جاهلیت مرسوم بوده، وقتی خانواده عروس و خانواده داماد در مشایعت عروس و داماد، به هم می‌رسیده‌اند آن را می‌خوانده‌اند. امام (ع) آن شعر را جایز نمی‌دانند. تا اینجا یک نکته معلوم است و آن اینکه منظور راوی از غنا یک شعر است و از جنس کلام است؛ نه از جنس آلات موسیقی. غنا می‌تواند از جنس کلام باشد و حرام باشد؛ اما نکته‌ای که اهمیت دارد این است که آیا هر شعرخوانی و سرودی حرام است؟ این موضوع را باید با توجه به روایات دیگر بدست آورد.

– سَأَلَ رَجُلٌ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ شَرَاءِ جَارِيَةٍ لَهَا صَوْتٌ فَقَالَ مَا عَلَيْكَ لَوْ اشْتَرَيْتَهَا فَذَكَرْتُكَ الْجَنَّةَ يَعْنِي بَقَاءَ الْقُرْآنِ وَالزَّهْدَ وَالْفَضَائِلَ الَّتِي لَيْسَتْ بِغَنَاءٍ – فَأَمَّا الْغَنَاءُ فَمَحْظُورٌ (فيض کاشانی،

۱. سند روایت از نظر علامه مجلسی حسن است (مجلسی، ۱۳۲۳، ج ۲۲، ص ۳۰۳) و از نظر آیت‌الله خامنه‌ای صحیح است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰).

۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۷).^۱ مردی از امام زین‌العابدین(ع) سؤال کرد درباره خرید کنیزی که صدای خوشی دارد. امام(ع) فرمود: چه اشکالی دارد اگر تو را به یاد بهشت بیندازد؟ در این روایت امام(ع) خرید کنیز آوازخوان را بی‌اشکال دانسته‌اند. فیض کاشانی در شرح حدیث می‌فرماید: اولاً از کلمه «یعنی» به بعد، کلام مرحوم ابن‌بابویه است که در شرح کلام امام می‌گوید: اگر این کنیز قرآن بخواند و یا آوازی که غنا نباشد، چه اشکالی دارد؟ قطعاً منظور امام آوازی است که غنا نیست، چون غنا حرام است. سپس مرحوم فیض در شرح حدیث می‌گوید: آنچه که از مجموع اخبار وارده ظاهر است، این است که حرمت غنا و لوازم آن مثل اجرت بر غنا و تعلیم و تعلّم و استماع و خرید و فروش لوازمش و... اختصاص به مجالسی دارد که در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس مرسوم بوده و ویژگی بارز آن، اختلاط زن و مرد بوده است همراه با اشعار باطل و آلات لهو مثل تار(عیدان) و نی و... به اعتقاد مرحوم فیض، دو رکن محتوای باطل همراه با منهیات دیگری مثل اختلاط زن و مرد یا آلات موسیقی، هردو در حرمت غنا دخالت دارند؛ اما آنچه در حرمت غنا مفهوم پایه و کلیدی است، اشتغال آن بر باطل است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۸).

– أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن أيوب بن الحر عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله عليه السلام: أجر المغنية التي تزف الغرائس ليس به بأسٌ ليست بالتي يدخل عليها الرجال^۲ (کلبی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۲۰). ابوبصیر گوید: امام صادق (ع) فرمود: مزد کنیز آوازه‌خوان که مجالس را برگزار می‌کند، اشکالی ندارد؛ این کنیزی نیست که مردان نزد او (برای شنیدن آوازش) می‌روند.

در این روایت، به‌صراحت، حرمت کار زنان آوازه‌خوانی که در مجالس عروسی می‌خوانند معلق بر شنیدن نامحرم شده است. چون در مجالس عروسی زنان جدا از مردان هستند و اختلاط زن و مرد وجود ندارد. در ضمن آواز این زنان مصداق لهووالحدیث

۱. این روایت در من لایحضره الفقیه نیز آمده است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۶۰). مجلسی اول ذیل این حدیث می‌فرماید: از ظاهر کلام مصنف چنین پیدااست که امثال این موارد را غنا نمی‌نامد بلکه غنا فقط آن است که در باطل باشد و عرف نیز آن را تأیید می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹).

۲. این روایت از نظر علامه مجلسی صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۸۰).

محسوب نمی‌شود.

– عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغِنَاءِ هَلْ يَصْلَحُ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَالْفَرَحِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۱۲۳).

در این روایت نیز غنا در اعیاد اسلامی مانند فطر و قربان بی‌اشکال دانسته شده منوط بر اینکه ملازم با گناه نباشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آیات و روایاتی که آمد چند نکته قابل توجه است: نکته اول اینکه آن‌طور که اساتید اهل فن فرموده‌اند، در برداشت از آیات و روایات، بهتر است «تفسیر دوسویه» داشته باشیم. منظور از تفسیر دوسویه این است که همان‌طور که روایت، آیه را تفسیر می‌کند، آیه نیز روایت را تفسیر می‌کند و این یک ارتباط متقابل است (علیدوست، ۱۴۰۱/۷/۱۷). وقتی به سراغ آیات می‌رویم، شأن نزول آیات، موضوع موسیقی و آلات آن و مطلق صوت و آواز نیست بلکه موضوع‌هایی مانند افسانه‌سرایی و قصه‌گویی است مانند قصه رستم و سهراب. آیه می‌فرماید این لهوالحديث است. با این حساب می‌توان اطمینان یافت که ماهیت غنا مطلق صوت نیست بلکه محتوا هم دخیل است. صوت غنائی همراه با محتوای فاسد، غناست و مصداق تحریم آیه کریمه است. همچنین وقتی آیه اصطلاح «قول الزور» و «لهو الحديث» را نهی می‌فرماید، معلوم می‌شود قول و حدیث و کلام در حکم حرمت دخیل است والا این شبهه پیش می‌آید که چرا قرآن نفرمود از غنا اجتناب کنید بلکه فرمود از قولی که وصف زور دارد و حدیثی که وصف لهو دارد اجتناب کنید؟ زمخشری می‌گوید: اضافه لهو به حدیث در آیه مبارکه ۶ سوره لقمان، برای تبیین است و اضافه به معنای «من» است؛ جنس لهو را مشخص می‌کند. لهو می‌تواند از جنس حدیث باشد و می‌تواند از جنس دیگری باشد. آیه کریمه اشعار دارد به اینکه منظور لهوی است که از جنس حدیث است و حدیث هم قطعاً منکر است. همان‌طور که در روایت آمده است: «الحديث في المسجد يأكل الحسنات كما تأكل البهيمة الحشيش» که منظور قطعاً گفتار منکر است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۱). اکنون وقتی روایات را در ذیل آیات بازخوانی می‌کنیم، روایت

عبدالاعلی از امام صادق(ع) درباره شعر نیست که فامیل داماد و عروس مقابل هم می‌خوانند. در معنی شعر هیچ باطل و خلاف شرعی مشاهده نمی‌شود. پس علت حرمت چیست؟ بعضی معتقدند علت اینکه عنوان غنا برای این اشعار به‌کار رفته است، محتوای آن نبوده بلکه آنچه آن را تحت عنوان غنا می‌آورد، اختلاط زن و مرد بوده چون زن‌ها این اشعار را در مقابل مردها می‌خوانده‌اند و احتمالاً همراه با رقص بوده است. درباره این ماجرا، غنا (به‌معنای موضوعی که مشتمل بر محتوای باطل است) از موضوعیت می‌افتد و حرمت به‌خاطر محرمات دیگر است (علی‌دوست، ۱۴۰۱/۷/۱۸؛ شهبی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۰).

با توجه به روایات دیگری که اشاره کردیم، این‌طور نیست که غنا مطلقاً حکم حرمت داشته باشد. طبق نظر فقهای معاصر، مجرد پخش یک موسیقی از رسانه‌های عمومی مثل صداوسیما هم حجت شرعی بر إباحه و حلیت برای شنونده نیست (حسینی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۲) بلکه حرمت آن وابسته به محتوای آن و همراهی با عناوین حرام دیگر مثل اختلاط زن و مرد است. درنهایت یک قاعده به‌دست می‌آید: در هر موضوعی باید عنوان پایه را به‌دست آورد. منظور آن عنوانی است که حکم تکلیفی دائرمداً وجود و عدم آن است. گاهی در یک واقعه عناوین مختلفی کنار هم قرار می‌گیرد و درمجموع حکم حرمت یا وجوب را به خود اختصاص می‌دهد. کار اصلی یک فقیه یافتن عنوان پایه است که حکم منوط به آن است. به‌عنوان نمونه رسول‌الله(ص) در جنگ خیبر از ذبح و اکل الاغ‌های اهلی نهی فرمودند. در این حکم چند موضوع با هم قرین شده‌اند. یکی خوردن گوشت الاغ و دیگری جنگ خیبر. آنچه عنوان پایه در حکم پیامبر است، کدامست؟ عده‌ای گمان کردند خوردن گوشت الاغ مطلقاً حرام یا مکروه است، ولی وقتی اصحاب امام صادق(ع) علت را از ایشان می‌پرسند، ایشان می‌فرمایند: این حرمت خاص روز خیبر بوده است و به‌خاطر نیاز به الاغ‌ها برای حمل غنائم بوده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص. ۱۱۷). پس عنوان پایه، گوشت الاغ نیست بلکه وقوع در روز خیبر علت حکم است.

آنچه پس از بررسی آیات و روایات به‌نظر می‌رسد این است که درباره غنا نیز حکم حرمت به‌طور مطلق مناسب نیست؛ زیرا آن‌طور که از کلام عرب و اشعار ایشان و عبارات فقها به‌دست می‌آید غنا اسم مطلق صوت است یا صوت به همراه ترجیع، مثل کلمه قول که

بر هر کلامی که تکلم شود اطلاق می‌شود. همان‌طور که کلمه قول اعم است از حرام و غیرحرام، غنا هم اعم است از حرام و غیرحرام (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۱۸). طبق یافته این پژوهش، عنوان پایه و مرجع در غنا، باطل یا لهُو و لعبی است که با آن همراه می‌شود و واسطه عروض وصف حرمت برای آن آواز می‌شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵). روح المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: جماعه المدرسین بحوزه العلمیه بقم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالصاد.
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). تفسیر تستری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حسینی، سیدمجتبی (۱۳۹۳/۱۰/۱۵). اپلیکیشن قرارگاه جهاد فرهنگی و اقتصادی، رساله دانشجویی، احکام موسیقی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). غنا. تهران: فقه روز.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۷۹). حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹، ص ۱۲۵-۱۴۴.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتب العربی.
- سیدکریمی، سیدعباس (۱۳۹۳). نقد و بررسی تعاریف موجود در موضوع غنا. مجله الهیات هنر، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۸.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شهیدی، محمدتقی (۱۳۹۵/۱۰/۲۹). *درس خارج فقه*.
- صاحب جواهر، محمدحسن (بی‌تا). *جواهر الکلام*. بیروت: إحياء التراث العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عزیزاللهی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی دلالت روایات قول زور بر حرمت غنا. *مجله مطالعات قرآنی*، شماره ۱۳۱، ص ۵۹-۷۲.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۱/۷/۱۷). *نرم‌افزار سلسبیل، فقه هنر*.
- فرّاء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰). *معانی القرآن*. قاهره: الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا). *العين*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) العامه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تأویلات اهل السنه*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. تهران: بنیاد فرهنگی کوشانپور.
- مشکانی، عباسعلی (۱۳۹۸). مبنای فقهی نظریه اخیر امام خمینی(ره) در زمینه غنا و موسیقی. *مجله فقه و اجتهاد*، ش ۱۲، ص ۳۳-۵۹.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).